



می‌خواستم شعری برای جنگ بگویم دیدم نمی‌شود دیگر قلم زبان دم نیست گفتم باید زمین گذاشت قلم‌ها را دیگر سلاح سرد سخن کارساز نیست باید سلاح نینزری برداشت باید برای جنگ از لوله تفنگ بخوانم، با واژه تفنگ

فیس‌ارمین پور (ولفت ۸ آبان ۱۳۸۶)

- **تلفن:** ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
- **پيامک:** ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی • **نشانی:** تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸
- **صندوق پستی:** ۱۵۸۷۵۰۵۳۸۸ • **امور مشترکین:** ۸۸۷۴۸۸۰
- **توزیع:** نشر گستر امروز • **چاپ:** چاپخانه‌های همشهری
- **سازمان آگهی‌های روزنامه ایران:** دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
- **پذیرش سازمان آگهی‌ها:** ۱۸۷۷/۰۱
- **انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران:** ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲

- **صاحب امتیاز:**
خبرگزاری جمهوری اسلامی
- **مدیر عامل مؤسسه فرهنگی - مطبوعاتی ایران:**
احسان صالحی

ایران

امام رضا(ع):
نقش انگشتر موسی(ع) دو جمله بود که آنها را از تورات گرفته بود: شکبیا باش تا مزد بگیری، راستگو باش تا برهی.

گزیده حکمت‌نامه رضوی، صفحه ج ۲، ص ۵۵، ح ۲۰۶

نگاره



جانم فدای وطن

دیوارنگاره میدان جهاد به یاد شهدای مظلوم پدافند ارتش

طراح: روح‌الله مختاری

فضای مجازی

عشق به وطن و فداکاری در راه آن

سهیل اسعد پستی در صفحه اینستاگرامش منتشر کرده با موضوع وطن پرستی و در این باره نوشته: علیرضا کوچک‌ترین فرزند ماست. ده سالشه و چند روز پیش انشایی نوشته بود که من بعد از خوندنش به همه سختی‌هایی که بعد از خروج از آرزائین کشیدم تا اصالت خانواده‌ام رو برگردونم افتخار کردم.

علیرضا تنها سه ماه تابستان رو توی لبنان زندگی می‌کنه اما این عشق و علاقه به وطن از زیباترین هدیه‌هایی بود که می‌تونست به والدینش بده. عشق به وطن و فداکاری در راهش. من از لبنان هستم، وطنم را که من در آن هستم و در آن بزرگ شدم دوست دارم، و هر مؤمنی باید وطن و زمینش را دوست داشته باشد و حاضر باشد در راه آن جان خود را بدهد.

هر کشوری در این عالم، شرایط و احوال خاص خودش را دارد از جمله جنگ‌ها و فساد و خیلی چیزها... ولی شرایط و احوال هر چه باشد، انسان باید وطنش را دوست داشته باشد، آن هم وطنی که در آن پرورش یافته و حاضر باشد جان خودش را فدای آن کند.

من وطنم را دوست دارم، مخصوصاً مقاومت اسلامی لبنان که از وطنم و زمینم دفاع می‌کنند، آن هم وطنی که آب و غذا و همه چیزش را دوست دارم، و من هر کسی را که وطنش را دوست دارد دوست دارم.

صحبت‌های جنجالی شریفیان درباره خلیج فارس

گروه موسیقی پرتطرفدار لیان شامگاه یکشنبه ۶ آبان در برج میلاد تهران به روی صحنه رفت. در این برنامه محسن شریفیان سرپرست این گروه صحبت‌هایی را درباره خلیج فارس و اخباری که درخصوص جزایر سه‌گانه منتشر شده بود، مطرح کرد که بازتاب گسترده‌ای در فضای مجازی داشت. شریفیان در بخشی از این کنسرت پیش از اجرای قطعه «هله تا به بندر خیلی راهه»، گفت: «دوست دارم این اثر را ویژه اجرا کنیم. متأسفانه در زمانه‌ای زندگی می‌کنیم که اگر هنرمندی درباره «وطن» و عشق‌اش به سرزمین مادری حرف بزند، «مزدور» خطاب می‌شود. من یک مزدور هستم که امروز می‌خواهم برای وطنم بخوانم و ساز بزنم. وطن خط قرمز ماست... خلیج فارس، مال ماست. این اسمی بوده که همیشه در طول تاریخ بوده است، ما برای خلیج فارس، برای جزایر ایرانی و جغرافیای این کشور جان می‌دهیم. ما، در «لبنان» به همه آدم‌هایی که به کنسرت ما می‌آیند یاد می‌دهیم که ارزش‌های ملی، فراتر از هر جنگ سیاسی و اعتقادی است. مالکیت جزایر سه‌گانه ایرانی چیزی نیست که دولت محترم امارات بخواهد این بازی‌های روانی را در جهان رو کند. ما به احترام قوم عرب در ایران، آثاری را امشب به زبان عربی اجرا خواهیم کرد و از قلب تهران این پیام مشخص را به جهان مخابره می‌کنیم که جغرافیای این خاک، غیر قابل تغییر است.»

چهل سالگی ترمیناتور

سعید مستغاثی با انتشار پستی در صفحه اینستاگرامش به فیلم ترمیناتور (۱) و ۴۰ ساله شدن آن اشاره کرده و در این باره نوشته: «این عبارت معروف T-800 (آرنولد شوارتزنگر) در فیلم «ترمیناتور ۲» بود: روز داوری (جیمز کامرون ۱۹۹۱) وقتی با اسلحه مگربارش مرد حیوه ای یا T-1000 (رابرت پاتریک) متجمد شده را هدف قرار داد و او را به تکه‌های مختلف تبدیل ساخت!»

عبارت فوق را به جملات مختلفی ترجمه کرده‌اند، مثل: «فاتحه‌ات را بخون بچه!» یا «شتر تون کنده شده، یا «پزن به چاک». اما معنی این جمله اسپانیایی که زمانی T-800 آن را از جان کانرز ۱۵ ساله یاد گرفت، اصلاً به معنی «تا دیدار بعدی» یا «بعدا می‌بینمت» بود!

شاید در میان ۶ فیلم مجموعه «ترمیناتور»، همین قسمت دوم از همه تماشایی‌تر به نظر رسید؛ آن هم در روزهایی که ویدیو ممنوع بود و ما نوارهای VHS فیلم‌ها را با هزار مصیبت و با کیفیت‌های نه چندان مطلوب می‌دیدیم.

اما مجموعه «ترمیناتور»، ۷ سال زودتر از این و در سال ۱۹۸۴ یعنی دقیقاً ۴۰ سال پیش در چنین روزهایی شروع شد؛ فیلمی پیچیده که در وهله اول بسیاری نتوانستند آن را متوجه شوند و فکری می‌کردند اسکای نت و ترمیناتورها از فضا آمده‌اند و ماجرای آمورالی از آینده، غیر قابل هضم بود!

به هر حال ترمیناتور یکی از آثار سینمای آخر زمانی بود که دو قسمت اولش توسط جیمز کامرون، فیلمساز مبدع هالیوود و در ابتدای اوگیبری بازار این نوع آثار ساخته شد. ماجرای منجی که از آینده مأمور می‌فرستد تا برای جنگ آخرالزمان با آرماگدون، او را حفاظت کند، چون تنها کسی است که می‌تواند با اسکای نت یا همان آتی کرایست مبارزه کند!

نقل قول

نمایش‌های آیینی-سنتی رامی ستایم

شخصاً حرکت و توجه به نمایش‌های آیینی-سنتی بویژه تعزیه را تقدیس می‌کنم. در این نمایش‌ها کنج‌هایی نهفته است که هنرمندان نمایشی، آنها را کشف کرده و مورد توجه قرار می‌دهند. قطعاً اگر روند حضور بخش نمایش‌های آیینی-سنتی ثبت شده در میراث ناملموس ملی و فرهنگی کشور در ریزینی‌های متفاوت مدون، قانونمند و سازماندهی شود، به طوری که با تغییر مدیران خللی در روند برگزاری و اهداف آن ایجاد نشود، می‌تواند در زمینه معرفی نمایش‌های ایرانی به مردم و حفظ و اشاعه آن کام مؤثری بردارد.

بخشی از صحبت‌های منتشر شده بهزاد فراهانی با میراث آریا

یادداشت



مسأله این است؛ متن دراماتیک در ایران

یکی از مشکلات اساسی و مهم هنر تئاتر در ایران که سال‌هاست گریبانگیر این هنر شده و با وجود خیل گسترده مراکز آموزش عالی و آموزشگاه‌های خصوصی و خصولتی، هر روز بیش از پیش خود را در عرصه تئاتر و هنرهای نمایشی نشان می‌دهد، ضعف مفرد در متن نمایشنامه‌هاست. متأسفانه اکثر قریب به اتفاق این نوشته‌ها افکار و توهمات نویسندگانشان هستند. متونی که نه انسجام، نه توالی موضوعی، نه ساختار دراماتیک، نه ساختار دراماتیک، نه دارای ارجاعات متنی، فرامتنی و بینامتنی و نه دارای محتوا و لایه‌های زیرین متن حرف هستند که باعث شده تکراری و کلیشه‌ای و به دور از عنصر ایجاز شوند. نه ریتم دراماتیک درستی دارند نه زمان بندی درست، نه فضاسازی دراماتیک دارند و نه اتسفر را می‌شناسند، نه شخصیت‌پردازی و کاراکترپردازی دارند

و نه رویداد و کنش دراماتیک، نه قصه‌پردازی دارند و نه ماجرای درستی که تماشاگران را تا انتها با خود همراه کنند، در منطق درام و قصه را رعایت می‌کنند و نه ساختار دیالکتیکی دیالوگ و نظام دراماتیک کلی نمایشنامه را، نه پرسش مطرح می‌کنند و نه در ذهن مخاطبان سؤال برمی‌انگیزانند.

اکثر این نمایشنامه‌ها، مغلوب واقعیت‌های بیرونی هستند، بنابراین آن را به اشتباه درک کرده و به جای واقعیت می‌پندارند. چرا که اصولاً رئالیسم و واقع‌گرایی را به اشتباه متوجه شده‌اند، همان‌گونه که درام را به اشتباه فهمیده‌اند به طوری که یا اصلاً نمی‌دانند درام چیست یا این که متن دراماتیک کدام است.

این مثلاً نویسندگان می‌گویند، تئاتر که حتماً نباید قصه داشته باشد، بنابراین آن را به نهایت تأسف می‌بینیم که آثار نویسندگانی چون «شکسپیر، چخوف، بکت، ایبسن و پینتر» بیشتر مورد استفاده و هجوم این افراد قرار می‌گیرد و بعضی نیز آثار این نویسندگان بزرگ را به اصطلاح ایرانیزه می‌کنند که خودش جای بحث فراوان دارد. آخر متنی که بر اساس فرهنگ، تاریخ، جغرافیا، رویدادها، خلقیات، روایات، مذهب و اعتقادات یک کشور اروپایی نوشته شده، چگونه می‌تواند با فرهنگ ایران همخوانی پیدا

کند؟ چرا که کاراکترپردازی، طرز تفکر، اندیشه و رفتارشان با فرهنگ ایران و ایرانی متفاوت است. شوربختانه پر واضح است که این مثلاً نویسندگان درکی از آثار بزرگان ندارند و در توهّم درک، تحلیل و هضم آن متون شکفت‌انگیز و دراماتیک به سر می‌زنند، بنابراین طبیعتاً نخواهند توانست به اقتباس این آثار نیز بپردازند.

بزرگی از اساتید تئاتر اروپا می‌گفت که دیالوگ‌نویسی یعنی آن که تو بتوانی یک مبحث فلسفی را که در پنج صفحه نگاشته شده، در یک دیالوگ پنج خطی به گونه‌ای بیان کنی که همگان آن را متوجه شوند. شاید بتوان گفت «بودن یا نبودن» شکسپیر از همین دست دیالوگ‌نویسی باشد.

آنتونین آرتومی می‌گوید: «تئاتر در واقع سیر تکوین آفرینش و تکوین خلق عالم است. در واقع تئاتر همواره با یک تفکر و سنت فلسفی عرفانی همراه بوده و هست و به همین دلیل ادبیات، فرهنگ، دیالکتیک و دراماتیک خود را دارد. من چیزی را که در قدیم بوده و محفوظ مانده و در سنت عرفانی تئاتر نمایان می‌گردد، خواهم جست. چرا که در آن سنت و تئاتر، همچون مداوا و وسیله درمان تلقی می‌شود.

از نظر «آرتو» تئاتر وسیله‌ای است برای تأثیرگذاری بر جهان و زباندن انسان نو؛ نقش آن هم درمانی است و هم بازآفرینی. تئاتر، هم مسیحانفس و شفابخش است و هم وجود شناختی. «ژان لویی بارو» در این باره می‌گوید: تئاتر بازی نیست، بلکه واقعیتی حقیقی است، زندگی، دنباله و غنای زندگی و معنا، مظهر ژرف و راستین زندگی است. تئاتروچی آمیزو کاشف اسرار و ارزشمست؛ تئاتر یعنی تاباندن آفتاب بر معانی که تا آن زمان مکشوف نبوده است. یک هنرمند تئاتر، مجموعه‌ای است از فیلسوف، روانشناس، انسان شناس، هستی شناس، موسیقیدان، شاعر، ادیب، نظریه‌پرداز، پژوهشگر و تاریخ‌دان. بنابراین نویسنده تئاتر باید مجموعه‌ای از همه این عوامل باشد تا بتواند درام را درک کرده و متنی دراماتیکی را به مفهوم واقعی آن خلق کند، هنری که شوربختانه سال‌هاست در ایران به دست نااهلان افتاده و دیگر حرفی برای گفتن ندارد.

عکس نوشت



همزمان با فصل گردشگری خراسان جنوبی، جشنواره زعفران ورزشک فائن نیز در این شهر برگزار می‌شود. مجموعه عکس‌هایی که در قالب یک گزارشی تصویری خبرگزاری میراث آریا منتشر کرده، برگزاری این جشنواره با حضور مدعوین استانی و شهرستان، فعالان، محققان و علاقه‌مندان در محل دانشگاه بزرگمهر فائن را به تصویر می‌کشد. عکس: میراث آریا